

فلسفه تاریخ و قرآن از نگاه شهید مطهری

استاد شهید مطهری معتقد است درس آموختن از تاریخ و رخدادهای تاریخی، منوط به کشف ضوابط و قوانین کلی حاکم بر این رخدادهاست. در نتیجه، مورخ و محقق تاریخ تا زمانی که از این ضوابط و قوانین کلی آگاهی نداشته باشد، نمی‌تواند حوادث را بخوبی تحلیل کند.



استاد شهید مطهری معتقد است درس آموختن از تاریخ و رخدادهای تاریخی، منوط به کشف ضوابط و قوانین کلی حاکم بر این رخدادهاست. در نتیجه، مورخ و محقق تاریخ تا زمانی که از این ضوابط و قوانین کلی آگاهی نداشته باشد، نمی‌تواند حوادث را بخشد، تحلیل کند. اگر تاریخ فقط وقایع جزئی باشد و نشود از تاریخ اصول کلی استخراج کرد، اصلا نمی‌شود درسی از تاریخ آموخت. اما اگر تاریخ قابل تعمیم بود و اصول کلی داشته باشد، می‌توان از آن درس آموخت و به تعبیر قرآن تاریخ می‌تواند عبرت و درس آموز باشد. 1

بیان فوق نشان می‌دهد قرآن کریم، تاریخی را به رسمیت می‌شناسد که در آن عبرت و آموزشی قرار داشته باشد و به نیکی روشن می‌کند در تحقیقات تاریخی، مورخ و محقق بایستی به دنبال نکات عبرت آموز باشند. در قرآن آیات بسیاری است که به مطالعه اقوام گذشته دعوت کرده و آن را مانند یک منبع برای کسب علم معرفی می‌کند. از نظر قرآن، تاریخ بشر و تحولات آن بر طبق یک سلسله سنت ها و نوامیس صورت می‌گیرد. عزت ها، ذلت ها، موفقیت ها، شکست ها، خوشبختی ها و بدبختی های تاریخی حساب هایی دقیق و منظم دارند و با شناخت آن حساب ها و قانون ها می‌توان تاریخ حاضر را تحت فرمان درآورد و به سود سعادت خود مردم حاضر از آن بهره‌گیری کرد. 2

مورخ باید در بیان پدیده‌ها توجه داشته باشد که طبق چه ضابطه‌ای و به چه علت در یک جامعه رخدادهای تلخی حادث می‌شود؟ و چرا در یک جامعه پیشرفت صورت می‌گیرد؟ مورخ با تعمق در حادثه و بررسی علل، عوامل و مقتضیات یک حادثه و تطبیق آن با حوادث دیگر می‌تواند این ضوابط را شناسایی و به جامعه عرضه کند تا مورد استفاده ملت و حکمرانان آن جامعه قرار بگیرد.

قرآن، تاریخ را به عنوان یک منبع شناخت عرضه می‌دارد. تاریخ یعنی جامعه انسانی در حال حرکت و جریان. می‌خواهیم بدانیم قانون تاریخ چه قانونی است. فرق فلسفه تاریخ با جامعه‌شناسی این است که جامعه‌شناسی قانون موجود جامعه و فلسفه تاریخ، قانون تحولات جامعه را بیان می‌کند. اینجاست که عامل زمان به کار می‌آید.

لازم است مورخ در حین بررسی و تحلیل یک حادثه به بعد فلسفی آن (فلسفه تاریخ) و مسیر کلی تحولات آن جامعه نیز توجه داشته باشد. به نظر می‌رسد یکی از اشتباهات بزرگ در تحلیل تاریخ معاصر ایران، نادیده گرفتن سنت فلسفی تاریخ ایران است. بدیهی است تحلیل تحولات تاریخ معاصر ایران بدون توجه به این موضوع راه به جایی نخواهد برد. بنابراین مورخ قبل از عرضه هرگونه تحلیل از یک حادثه باید سیر فلسفی آن را نیز مد نظر قرار دهد. بعلاوه عامل زمان نیز در تحولات تاریخی اثر گذار است و نمی‌توان مقتضی یک حادثه را بی‌اعتنا به زمان این مقتضی تحلیل کرد.

برای روشن تر شدن دیدگاه قرآن نسبت به تاریخ لازم است این موارد ذکر شود: از انحای تفکراتی که در خود قرآن مجید به آنها توجه شده، تفکر در تاریخ است؛ تفکر در سرنوشت اقوام و ملل گذشته که در قرآن به آن توجه شده است. قرآن، قصص و حکایات و چیزهایی که ما اسمش را تاریخ می‌گذاریم به طور اشاره ذکر می‌کند، ولی قسمت هایی را که مایه های آموزش در آن زیاد است، بیشتر یادآوری می‌کند و مخصوصا این مطلب را توجه می‌دهد که ما قصه و حکایت را ذکر نمی‌کنیم فقط برای این که وقتی گذرانده باشید: فاقصص القصص لعلهم یتفکرون.

این هم نوعی تفکر است که بازهم از نظر اسلام عبادت است. 3

این که قرآن، تاریخ را منبع معرفت و موضوع تفکر و مایه تذکر و آیین عبرت می‌داند شکی در آن نیست. 4. قرآن به زندگی اقوام و جامعه‌ها توجه می‌کند و برای جامعه شخصیت قائل می‌شود. قرآن می‌گوید:

تلك امه قد خلت لها ما كسبت ولكم ما كسبتم

همچنین:

ولكل امه اجل فاذا اجلهم لا يستأخرون ساعه ولا يستقدمون. این آیات نشان می‌دهد قرآن شخصیت جامعه را به رسمیت می‌شناسد و برای بروز حوادث در آن جوامع ضوابطی قائل است. قرآن رخدادهای تحولات را در زندگی بشری، بدون ضابطه و قاعده‌ای مشخص نفی می‌کند و تاکید بر وجود یک ضابطه و یک قانون مشخص در تحولات جوامع دارد. ولن تجد لسنه الله تبديلا ولن تجد لسنه الله تحويلا. 5

قرآن می‌گوید دیدتان را وسیع کنید، در شناخت جامعه این قدر به ظاهر حکم نکنید. اگر تاریخ صد سال پیش را خواستید، بررسی کنید نروید سراغ ناصرالدین شاه با آن عشق بازی‌ها و عیاشی‌ها و ظلم‌ها بگویید یک قرن قبل اوضاع آن چطور بوده است. این را شما سمبل شناخت همه مردم نگیرید. ناصرالدین شاه را شما آیین تمام نمای مردم ندانید. اگر این طور باشد،

فتوای میرزای شیرازی در تحریم تنباکو و آثار عظیم آن را چگونه توجیه می کنید؟ 6

قرآن به طور صریح و قاطع، تاریخ را برای مطالعه عرضه می دارد. پس تاریخ خودش یک منبع برای شناخت است. در این زمینه ما در قرآن آیاتی داریم مانند: قل سیروا فی الارض... و افلم یسیروا فی الارض... یعنی بروید آثار تاریخی را مطالعه کنید و بعد ببینید زندگی و جامعه بشر چه تحولاتی پیدا کرده است. باز علی(ع) در وصیتی که در نهج البلاغه به امام حسن می کند، جمله بزرگی دارد که به انسان ایمان بیشتری می دهد: پسر من احوال امم و ملل و تواریخ را به دقت مطالعه کن و از آنها درس بیاموز اگر چه من عمری محدود دارم و با امت های گذشته نبوده ام که از نزدیک وضع و حال آنها را مطالعه کرده باشم، اما در آثارشان سیر و در اخبارشان فکر کردم تا آنجا که مانند یکی از آنها شدم. آنچنان شده ام که گویی با همه آن جوامع از نزدیک زندگی کرده ام و بعد می گوید نه بالاتر از این، چون اگر کسی در جامعه با مردمی زندگی کند فقط از احوال همان مردم آگاه می شود. ولی من مثل آدمی هستم که از اول دنیا تا آخر دنیا با همه جامعه ها بوده و با همه آنها زندگی کرده است. پس تاریخ را مطالعه کن، در اخبار ملت ها و در تحولاتی که برای جامعه ها پیش آمده فکر کن. مانند چشمی باش که از اول تا آخر دنیا را مطالعه و مشاهده کرده است. این است که از نظر قرآن و روایات، خود تاریخ منبعی برای شناخت است. 7

قرآن کتاب تاریخ نیست، ولی موضوعاتی را ذکر کرده است به مناسبت این که عبرتی و درسی را می خواسته بیان کند. 8 توجه خاص قرآن به تاریخ و دفاع از تاریخ، اهمیت پرداختن به این موضوع را روشن می کند. اما باید توجه داشت اولاً تاریخ مورد نظر قرآن، تاریخی است که معطوف به شناخت است و طبعاً هرگونه اشتباه در تدوین چنین تاریخی موجب بروز شناختی غیر علمی و غلط خواهد شد. بهترین مثال در این باره، پادشاهانی هستند که به جهت کثرت خشونت و قتل عام و... به قهرمان های تاریخی تبدیل شده اند و حال آن که ارتکاب به این جنایات هرگز باعث قهرمانی نیست. از نظر قرآن این گونه شخصیت ها که در تاریخ نمود دارند، کف های روی آب هستند. آنها را معیار قضاوت قرار ندهید. اگر همه مردم شرارت نادر شاه را داشتند آن جامعه متلاشی می شد. قرآن می گوید اگر همه مردم این قدر شریر و ظالم و فاسد و دروغگو بودند، آن جامعه را هلاک می کردیم. چنین جامعه ای محال است وجود داشته باشد. اصلاً قابل دوام نیست و فوراً هلاک می شود. قرآن می گوید قبل از شما اقوامی بودند که وقتی اکثریت مردم آن قوم بد شدند، ریشه های آنها را کندیم. پس اگر جامعه دوام دارد، بدانید اکثریت مردم فاسد نیستند، بلکه اقلیتی فاسدند که آنها هم کف روی آب هستند. باطل به صورت موقت، به صورت یک جولان و به یک صورت یک نمود است و زود هم از بین می رود. للحق دوله وللباطل جوله، للباطل جوله ثم یضحمل. 9

از اینجا روشن می شود یکی از رسالت های مورخ، روشن کردن دوام نداشتن باطل در تحولات بشری و در جوامع است. چنانچه تحقیقات تاریخی دقیقی انجام شود و چگونگی نابودی باطل در اوضاعی که هرگز کسی فکر آن را نمی کرد یا چگونگی بروز حق در اوضاع مشابه تبیین شود، می تواند در انتخاب راه صحیح برای جوامع راهگشا باشد و بیش از پیش روشن شود که پیروزی نهایی در تاریخ همواره با حق بوده است.

از نظر قرآن صلاح در تاریخ نقش دارد. تقوا و اخلاص در تاریخ نقش دارد، بلکه نقش نهایی و پیروزی نهایی همیشه از آن حق است و این تصریح قرآن مجید است:

کتب الله لاغلبن انا ورسلی.

یعنی پیروزی نهایی از آن من یعنی قانون من - خدا که نمی آید وارد میدان شود - و پیامبران من است. وان جندنا لهم الغالبون باز معنایش همین است. 10

پرویز فارسیجانی / پژوهشگر و مدرس دانشگاه

پا نوشت ها:

1 - فلسفه تاریخ، ج 4.

2 - مرتضی مطهری، انسان و ایمان، تهران، صدرا، ص 73.

3 - مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ص 380.

4 - قیام و انقلاب مهدی، همان، ص 11.

5 - همان، صص 11 و 12.

6 - مرتضی مطهری، حق و باطل، تهران، صدرا، ج 1، ص 61.

7 - مساله شناخت، همان، ص 181.

8 - مرتضی مطهری، خاتمیت، تهران، صدرا، ص 181.

9 - حق و باطل، همان، ج 1، ص 62.

10 - مساله شناخت، همان، ص 80.